



حزب حکمتیست کارگری - حکمتیست

سر دبیر خالد حاج محمدی

۷ بهمن ۱۳۹۰

۲۷ ژانویه ۲۰۱۲

خالد حاج محمدی

ترور مهندسی و تهدید

تروریستها

در یک سال گذشته و با تشدید جدالهای غرب و جمهوری اسلامی، شاهد تحریم اقتصادی و فشارهای هر روزه به مردم ایران و دزدی و سودآوری هنگفت سرمایه داران ایرانی به بهانه تحریم و به قیمت خانه خرابی مردم، بودیم. امروز اما فضای ترور و تهدید نیز به این وضع اضافه شده است.

در این یکسال سه فیزیکی دان ایرانی، مجید شهریاری، مسعود علی محمدی و اخیرا نیز مصطفی احمدی روشن ترور شده اند. جمهوری اسلامی و مراکز و مقامات آن، به مناسبتهای مختلف اظهار نظر کرده اند و انگشت اتهام را به سوی اسرائیل اشاره رفته اند. اخیرا و با ترور مصطفی

احمدی روشن، حسین شریعتمداری نیز ضمن ادعای ترور احمدی روشن و بقیه مهندسی فیزیک توسط اسرائیل، خواهان جواب به اسرائیل و عمل متقابل به مثل شده است. شریعتمداری در ادامه اشاره کرده است که "امروزه جمهوری اسلامی ایران، فداییان پاکبخته و سینه چاک فراوانی

در سراسر جهان دارد که تنها با یک اشاره از ژرفای دل و جان برای مجازات آنها مایه می گذارند". در کنار شریعتمداری بقیه "فداییان سینه چاک" و چاقو کش و آدم کش، و

صفحه ۲

ثریا شهبازی عکس نیمه برهنه زن و جمهوری اسلامی



انتشار عکس نیمه برهنه یک هنرپیشه زن ایرانی بنام گلشیفته فراهانی در مطبوعات غربی، کاری که بخشی از شغل بسیاری از هنرپیشه ها است، علاوه بر خوردن به تیغ سانسور جمهوری اسلامی، موجی از عکس العمل در میان گروههای سیاسی - اجتماعی "اپوزیسیون" در ایران و در خارج کشور، در تائید یا تقبیح را بدنبال داشت.

کسانی را که از هر نوع مردسالاری و زن ستیزی جمهوری اسلامی منجر اند را به "تحسین"، و صفی از کسانی که احساسات و فرهنگ مردسالارانه خود را پشت عبارات بی مایه و فریبکارانه ای چون "لازم نیست"، "این راهش نیست"، "وقت اش نیست" و "مردم درد و بد بختی های بیشتری دارند"، پنهان میکنند، به مخالفت خجول کشانده است.

امان کفا

سرقت و نزاع دزدان

در روز روشن



در زیر لوای تحریم های اقتصادی با افزایش نرخ سکه و ارز، در عرض چند روز معلوم شد که عده ای در ایران میلیاردها به جیب زدند. بخشی از مفسران جمهوری اسلامی، علت این امر را به نا متناسب بودن میزان واردات و صادرات نسبت دادند، بخشی به عدم سیاست و بی برنامهگی بانک مرکزی خرده گرفتند، و "مارکس خوانده هایشان" ابراز کردند که "بالاخره وقتی تولید سازمان ندارد و یک مشت رانت خوار سرکار هستند، این اتفاقات طبیعی و قابل انتظار است!!" و بالاخره مقامات جمهوری اسلامی از

خالد حاج محمدی

چند کلمه به یاد

کارگران خاتون آباد



هشت سال از کشتار کارگران خاتون آباد میگذرد. چهارم بهمن ۱۳۸۲، صدها

دفتر سیاسی حزب حکمتیست

حزب حکمتیست و نشست تعدادی از

اعضا کمیته مرکزی آن

(در حاشیه "پلنوم" هینت دانم)

صفحه ۴

کارگران جهان متحد شوید!

این دسته از مخالفین خجول معمولاً افراطی ترین شکل محرومیت و بی حقوقی زن در ایران و جوامع رسماً ضد زن، را به وسیله ای برای عقب نشاندن مطالبات ملاکزیمال و جهانشمول برای زنان در ایران و جوامع مشابه میدانند. هنوز زود است، افراطی است، مسائل مهمتر هست و ... قرار است اولاً بر ابعاد اختناق ضد زن در ایران سایه بیاندازد، و در عین حال "برخی از بی حقوقی ها" را برای مردم ایران قابل تحمل نشان دهد!

انتشار عکس نیمه برهنه هنرپیشه در مطبوعات غربی، یکی از روزمره ترین شکل سوخت ساز زندگی طیف وسیعی از هنرپیشه ها در جوامع امروزی است. و این امر بسته به رلی که در فیلم یا نمایش اجرا میکنند، بخشی از کار آنها است. در جوامع متوسط امروز این امر همان قدر طبیعی است، که انتشار عکس صف مردمی که در بیمارستان دولتی منتظر نوبت اند، یا انتشار عکس مدیر کارخانه در ماشین پورشه خود، یا انتشار عکس مادری که نوزادش را در اماکن عمومی شیر میدهد، یا تصویر کارگری که در خط

شان در این مقتضی سیم اند. البته با زیرکی تلاش میکنند که این اتفاق را با زدن "تهمت" به "دیگران" و مقصر نشان دادن "سایرین"، مخفی نگاه دارند و اجازه ندهند کسی حجم عظیم عایدات شان را کشف کند. تاره هنوز زمانی نگذشته ولی زرمزه های عدم پرداخت چندرقاز یارانه ها را هم سر داده اند!

واقعییت این است که چیزی از "هیچ" ساخته نمی شود و معجزه ای هم در کار نیست. بازار سرمایه هم، با تمام تصویر جنگلی و بی برنامهگی اش، قانونمدی خود را دارد. "مبادله نابرابری"، یا بعبارتی غیر واقعی انجام نگرفته است. این پولی که اینها به جیب زدند و هنوز میزنند، در واقع از جایی، و با ارزشی برابر تامین شده است و تامین میشود. این را هر کاسب خردی هم با چرتکه انداختن میتواند محاسبه کند. و طبعاً کارگر

باختند و تعداد زیادی زخمی شدند. جرم کارگران خاتون آباد، اعتراض به درخواست کار و پرداخت حقوقهای معوقه خود بود. جواب سرمایه داران و حکومتشان کشتار کارگران بود. داستان کارگران خاتون آباد و تلاش جنایتکارانه پنج نفر به اسامی ریاحی، مهدوی، جاویدی، مومنی و پورامینی جان

به همه علاقمندان شرکت در کنگره پنجم حزب حکمتیست

صفحه ۳

به همه علاقمندان شرکت در کنگره پنجم

حزب حکمتیست

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

عکس نیمه برهنه زن...

توجه به این که بخش اعظم مخالفین این عکس را کسانی تشکیل میدهند که برای خود در آگاهگری و هدایت جامعه نقشی قائل اند، طبعاً مسئله نمی تواند ربطی به "خفتگی در عالم بدویت" داشته باشد. مسئله مخالفت خود این طیف است، سایر ادعاها بهانه است. این طیف ضمن کند کردن شمشیر امروز در نقد به همه ابعاد زن ستیزی در ایران، بی تردید فردایی که جمهوری اسلامی رفته است، در مقابل "افراط گرایی" مشابه، سد "اخلاقی" و سیاسی خواهد بست. و در مقابل ممنوعیت حجاب اجباری، برقراری آموزش روابط جنسی در مدارس، آزادی هر نوع رابطه جنسی و از جمله آزادی رابطه جنسی خارج از ازدواج، ممنوعیت سانسور و کنترل بر زندگی خصوصی مردم، ممنوعیت حجاب کودکان، آزادی مذهب و بی مذهبی، آزادی بدون قید و شرط ابراز وجود فردی شهروندان، جدایی مذهب از دولت، آزادی بدون قید و شرط عقیده و بیان، این طیف شمشیر "افراطی گری" و "رواج فساد" برخواهد افراشت! این طیف ریاکار، امروز خود را لیبرال، دمکرات، اصلاح طلب و آزادیخواه هم گذاشته است، و انتظار دارد که مردم آن را باور کنند!

واقعیت این است که این عکس بی تصویر است. آنچه که آن را مفسر جلوه میدهد، واقعیتی است که به بهانه این عکس میتوان در مقابل چشمان همگان قرار گیرد. و بار دیگر به بهانه آن، بر ابعاد بی حقوقی زن در جوامع مذهب زده و اسلام زده، نقب زد. میتوان از ورای این خراش، بار دیگر بر وضعیت زنان در عربستان سعودی این برهوت ثروت و بربریت زن، بر محرومیت های زنان در ایران این قلدرد طرف حساب قلدردهای دیگر غرب، و بر محرومیت میلیونها میلیون زن و دختر جوانی که در جوامع مذهب زده و

اسلام زده رسماً بعنوان شهروند درجه دو قربانی انواع خشونت های فیزیکی و روانی و فحشا و قتل ناموسی هستند، نقب زد. در ایران تن فروشی زن که میلیونها نفر به خاطر فقر و بیکاری به آن روی آورده اند، رسماً شغل، و دم دست ترین شغل برای نیمی از طبقه کارگر ایران است. و گفته میشود که از جمعیت سی و هفت میلیون زن در ایران، از هر ۷۰ زن یک نفر رسماً از طریق تن فروشی زندگی خود و خانواده اش را میگذراند. و این آمار رسمی است. آمار غیر رسمی استمار جنسی دختران کوچک و زنان معتاد، بسیار هولناک تر از این ارقام است.

کدام فساد، از کی!

انتشار عکس نیمه برهنه هنرپیشه ایرانی و سانسور آن، برای کسانی که نه در شعار و کلی گویی، که با خواسته های روشن، خواهان برابری زن و مرد و آزادی هستند، تنها فرصت و بهانه ای است که با استفاده از آن، ابعاد شنیع، ضدبشری و ارتجاعی زن ستیزی در ایران و جوامع مشابه را مورد حمله قرار دهند و راه تغییر واقعی در زندگی میلیونها زن در ایران و جوامع مشابه را نشان دهند. اجازه بدهید، ما هم با استفاده از این فرصت، یکی از شنیع ترین، ضد انسانی ترین، و تهوع آور ترین، جلوه های ضد بشری زن ستیزی در ایران را در مقابل چشمان همگان قرار دهیم. و زن ستیزی که بخش اعظم قربانیان آن زنان و کودکان طبقه کارگر، فقر زدگان، کودکان دختران و زنان بیکار نان آوران خانواده است، را به بهانه انتشار این عکس در مقابل چشمان حاضرین، بخصوص شیفتگان "اخلاقیات" اسلامی و کسانی که یکی از ساده ترین جلوه زندگی شغلی یک هنرپیشه را، زیر تیغ اخلاقیات زن ستیزانه و مردسالاران، میکشند و آن را "فساد" نام میگذارند، بگذاریم. متن آگهی استخدام کودکان برای بهره

کشی جنسی توسط آستان قدس رضوی، را بخوانید! "بسم الله الرحمن الرحیم النکاح السننی (ازدواج از سنتهای رسول اکرم صل الله علیه و آله و سلم است) آستان قدس رضوی جهت ارتقای فضای معنوی جامعه و ایجاد شرایط مناسب روحی و آرامش خیال برای برادران زائری که در مدت زیارت حرم مطهر امام هشتم از همسر خود دور میباشند اقدام به برگزاری مرکز صیغه های کوتاه مدت در جوار حرم رضوی نموده است.

در این راستا از کلیه خواهران باکره مومنه که سن آنها بین ۱۲ تا ۳۵ سال است دعوت به همکاری مینماید. هر یک از خواهران بر اساس قرارداد ۲ ساله ای که با آستان قدس رضوی منعقد مینمایند موظفند که ماهانه حداقل ۲۵ روز به صیغه برادران زوار در آیند. مدت قرارداد جز سابقه استغمال متقاضی محسوب می گردد. مدت هر صیغه از ۵ ساعت تا ۱۰ روز متغیر می باشد.

مبلغ پرداختی بابت هر صیغه بدین شرح است.

صیغه های ۵ ساعته ۵۰ هزار تومان
صیغه های ۱ روزه ۷۵ هزار تومان
صیغه های ۲ روزه ۱۰۰ هزار تومان
صیغه های ۳ روزه ۱۵۰ هزار تومان
صیغه های ۴ روز تا ۱۰ روز ۳۰۰ هزار تومان

خواهران باکره که برای اولین بار صیغه میشوند مبلغ یکصد هزار تومان اضافه بابت برداشتن پرده بکارت دریافت خوانند کرد.

بعد از انقضای قرارداد ۲ ساله در صورتی که سن خواهران به حد نصاب ۳۵ سال نرسیده باشد، در صورت تمایل میتوانند در لیست انتظار صیغه های دائم قرار بگیرند. خواهران موظفند ۵ درصد از مبلغ دریافتی هر صیغه را به حرم مطهر واریز نمایند. از کلیه خواهران علاقه مند درخواست می شود ۲ قطعه عکس تمام قد (با

حجاب اسلامی) آخرین مدرک تحصیلی، وضعیت بکارت و گواهی سلامت روانی رو جسمانی از سازمان بهداشت شهرستان محل سکونت خود را حد اکثر تا سی و یکم اردیبهشت هزار و سیصد و هشتاد و نه به آدرس دیل ارسال نمایند.

توجه: برای خواهران کمتر از ۱۴ سال رضایت رسمی پدر و یا جد پدری یا عمو الزامی میباشد.

آدرس: مشهد بارگاه امام رضا (ع) خیابان شهید نواب صفوی صحن کوثر دفتر امور صیغه

جهت اطلاعات بیشتر با تلفن حاج آقا محمود ممتاز ۰۰۹۸۵۱۱۲۲۲۵۷۹۰ تماس حاصل نمایند. برای آگاهی بیشتر از جزئیات کامل شرایط مربوطه به سایت آستان قدر رضوی مراجعه کنید.

پاورقی توضیحی از سایت شبکه زنان: <http://www.kvinnet.org/>

محل بنگاه: صحن کوثر - مشهد کودکان کوچکتر از ۱۲ ساله استخدام نمیشوند.

کودکان کوچکتر از ۱۴ سال نیاز به رضایت رسمی پدر، جد پدری یا عمو دارند.

صد دلار اضافه برای اهداء بکارت. صیغه ۵ ساعته ۵۰ دلار - ۴ تا ۱۰ روز ۳۰۰ دلار - حق الجاکشی ۵٪ از خواهران اخذ میشود

تتها و تنها با زیر و رو کردن نظامی که بر مبنای استثمار فیزیکی، جنسی، فکری و روانی استوار است، تنها با به زیر کشیدن نظام سرمایه که در آن همه چیز، و از جمله سکس و ارگانهای بدن و کلیه و نیروی کار کودک و زن و مرد، کالا و در بازار قابل خرید و فروش است، میتوان یک بار برای همیشه چنین توحشی را به تاریخ سپرد. زن ستیزی، و زن ستیزی جمهوری اسلامی، ستون محکمی برای برپا نگاه داشتن این نظام ضد بشری است.

دشمنی کور قومی و ناسیونالیستی و مذهبی در میان مردمنده بر ایجاد انشقاق و نفاق میان مردم سرمایه گذاری میکنند، بر ایجاد فضای دشمنی و ترور و کشتار مردم زنده مانده اند و از فضای نضامی و تروریستی بزرگترین استفاده را علیه شهروندان ایرانی و اسرائیلی میکنند.

طبقه کارگر و بشریت متمدن، با خلاصی از شر جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل، نفسی راحت میکشد. پایان دادن به عمر این دولتهای تروریست و جنایتکار قدمی مهم در راه خاتمه دادن به نفاق کور مذهبی، قومی و ناسیونالیستی و در عین حال امکانی مهم برای اشاعه دوستی و احساس همسرنوشتی در میان مردم شریف ایران، اسرائیل، فلسطین و لبنان و کل جهان است.

چیز بهانه ای در دست گروهای تروریستی جمهوری اسلامی، باندهای دولتی و مراکز امنیتی و پلیسی آن علیه مردم ایران و علیه مخالفین جمهوری اسلامی در داخل ایران است. تاریخ سی ساله حاکمیت جمهوری اسلامی تاریخ پرورنده سازی و جعل حقایق برای کشتار فعالین کارگری، کمونیستها، زنان معترض و در یک کلام مخالفان خود به نام همکاری و ارتباط با دولتهای غربی و سرویسهای اطلاعاتی آنها بوده است.

دولت ایران و اسرائیل هر دو از دولتهای جنایتکار و تروریست تاریخ معاصرند. اینها در کشتار و جنایت علیه شهروندان جوامع مختلف از ایران تا فلسطین و اسرائیل دست هر دولت تروریست و جنایتکار را بسته اند. آنها عاملین کشتار مردم، عاملین ایجاد

داشتن مراکز جاسوسی و امنیتی اسرائیل در این ترورها، ترور فیزیکدانان ایرانی اقدامی جنایتکارانه علیه شهروندان جامعه است. کسانی که در این ماجراها جان خود را از دست داده اند قربانیان ترور و تروریسم دولتی هستند و دود این توحش مستقیم به چشم مردم ایران می رود. تحریکات تروریستی در خدمت اشاعه فضای نا امن سیاسی و تروریستی برای شهروندان جامعه و ابزار تحمیق و به سکوت کشاندن مردم معترض هم در ایران و هم در اسرائیل است.

عربده کشی های امثال شریعتمداری و اعلام بیرون بردن دایره ترور و کشتار به خارج مرزهای ایران، هر چند گواه اشاعه فضای تروریستی به خارج مرزها و قبل از همه علیه مخالفان جمهوری اسلامی است، اما بیش از هر

ترور مهندسين و تهديد...

البته با ظاهر فوکول کراواتی و به عنوان "روزنامه نگار و مسئول و محقق" بر توان و قدرت جنایتکارانه خود تاکید میگذارند.

در مقابل دولت اسرائیل نیز هر چند تا کنون رسماً مسئولیتی را نپذیرفته است، اما مقامات مختلف امنیتی و نظامی این کشور دقیقاً چون رقبای تروریست و جنایتکار خود در ایران، به بهانه هسته ای و خطر امنیتی ایران برای اسرائیل، به فضای ترور و تهدیدات خود ادامه میدهند. قدرت تروریستی خود را به رخ رقیب میکشند.

مستقل از صحت و سقم ادعاهای جمهوری اسلامی در مورد ترور فیزیک دانان ایرانی، و مستقل از دست

سرفت و نزاع دزدان...

هم به آن واقف است. سرمایه‌ای که هر روز به بازار می‌رود و نیروی کارگر را برای یک روز می‌خرد، هم همین را می‌گوید. سرمایه‌دار هزینه بازتولید کالای خریداری شده را بنام دستمزد به کارگر می‌پردازد. آنچه سرمایه از آن طفره می‌رود این است که در طی همان یک روز کار، کارگر در پروسه تولید، ارزشی فرا تر از دستمزد دریافت شده را تولید می‌کند. و مازاد تولید را به این ترتیب سرمایه‌با تصاحب ارزش اضافی تولید شده تصاحب می‌کند.

آنچه که در این چند روز در ایران به وقوع پیوست، دست بدست شدن و تصاحب بخشی از تولید ارزشی است که در جامعه تولید می‌شود. سودی که تصاحب کردند، از تولید طبقه‌ای حاصل شده است که برای فروش نیروی کارش هرروزه به بازار کار می‌رود.

کاهش ارزش ریال، به معنی کاهش قیمت‌های کالاهای مورد نیاز نیست. همانطور که در طی همین مدت کوتاه، شاهد افزایش سرسام آور قیمت این کالاهای بوده ایم. سرمایه‌هایی که در این پروسه در جریان گردش هستند، حتی لحظه‌ای هم یک ریال از دست نداده، و حتی سودآوری بالاتری هم داشته‌اند. آنچه در روز روشن به سرقت می‌برند، همان اضافه ارزش تولید شده در جامعه است.

در طی این مدت، بدون اغراق هیچ کارگری شاهد افزایشی در حقوقش نبوده است. و به این ترتیب، با کاهش اینچینی ارزش ریال، سرمایه‌توانسته است از کل تولید ارزش، در کوتاه مدت، سهم کمتری را به کارگر بدهد. به عبارتی دیگر، میزان سود حاصله که نصیبشان شده است باز هم بالاتر رفته است.

برخلاف ادعاهایشان، اسپیکولاسیون موجود، با کل نظام و قوانین سرمایه و سرمایه‌داری در هم تنیده‌اند. و به همین دلیل دعوا و کلاهبرداری بین دزدان در جریان است. و به همین جهت برای هم خط و نشان می‌کشند. مسلماً این داستانی ادامه دار نیست و جدا از تمامی فاکتورهای گوناگون، سرانجام عرضه و تقاضا در بازار ارز و سکه در ایران به تناسبی می‌رسد و توافقی بین طرفین دعوی امروز برقرار می‌شود. در این میان تنها جایی که قرار است با کارگر توافقی صورت گیرد، همانا مسئله تعیین میزانی است که قرار است به عنوان مزد به کارگر پرداخت شود. و دقیقاً در همین جاست که کارگر می‌تواند نقش داشته باشد. کل طبقه کارگر، بمثابه یک طبقه بایستی در مقابل سرمایه‌عرض اندام کند. عرض اندامی که در هر لحظه و قدم نشان خواست به چالش کشاندن سیستمی باشد که طی آن ارزش اضافه

تولید شده را از حلقوم سرمایه‌بیرون آورد.

ارزش اضافی که در ایران تولید می‌شود، سرسام آور است. سرمایه‌دار ایران علاوه بر خرید ارزان نیروی کار، فشار روزافزونی بر کارگر می‌گذارد. هزینه کل بیکاران آماده به کاری که در مقیاس میلیونی هر روزه سرخورده از بازار کار به سر سفره خالی‌شان بازمی‌گردند، عدم وجود هرگونه تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری و غیره، شرایطی را بوجود آورده است که در آن سهم کمتری از کل تولید نصیب کارگر میشود. یا به عبارتی دیگر، سهم بیشتری از نیاز طبقه کارگر

برای بازتولید نیروی کارش به‌گرفته خودش سپرده شده است و دستمزدی که پرداخت می‌کنند، در مقابل ارزشی که کارگر در ایران تولید می‌کند، تا چه حدی پایین است. واقعیتی که در این چند روز در این کشور عیان شد این بود که پولی که دست بدست شد تنها جلوه‌ای کوچک، ولی روشن و بی‌پرده، از درجه و میزان ارزش اضافی است که در ایران تولید می‌شود. این تنها یک اسپیکولاسیون بود، اما نشانگر مشتی از خروارها ارزشی است که طبقه کارگر تولید میکند و به جیب سرمایه‌می‌رود.

هیچ چیز مضحک‌تر از این نیست که هنوز هم سرمایه و احزاب گوناگون این حقیقت سرمایه و روابط تولیدی در ایران را با بهانه کردن دولت "بی‌لیاقت" و جمعی رانت خوار نشسته بر

چاه‌های نفت، کتمان می‌کنند. سرمایه‌دار ایران، حتی در شرایط جنگ و تحریم می‌تواند فربه‌تر شود، پوشیده نگاه می‌دارند. حتی از یادآوری ابعاد آن ما را می‌ترسانند و می‌گویند که خیر، در ایران سرمایه‌انطور که می‌گویند نیست. و ادعا می‌کنند که مبارزه کارگر برای بدست آوردن سهم هرچه بیشتری از این ارزشی که تولید کرده است، یعنی اولین عرصه‌ای که هر

کارگری بطور "غریبی" در آن حضور دارد و برایش متشکل میشود، مبارزه‌ای اقتصادی بیش نیست و آن را "تحقیر" میکنند! میفرمایند که حضور در این صحنه، نشستن بر صندلی اشغال شده متعلق به جریان "کارگر کارگری هاست". و به این ترتیب، کارگر را بی‌دفاع و منفعل می‌کند. این سیاستی است که عملاً به معنی تحدید مبارزه کارگر درمقابل با سرمایه‌دارانی است که به بهانه تحریم‌ها و همین شرایط ارزی و قیمتی، کالاهای وارداتی ارزان و غیره اعلام داشته‌اند که "نمی‌توانند" دستمزدها را افزایش دهند و یا حتی پرداخت کنند و کارگر بایستی اضافه‌کاری مجانی کند و قرار داد سفید امضا کند! و این در حالی است که همان سرمایه و سرمایه‌داران "می‌توانند" فشار کار را بالا ببرند، چماق "راضی باش با بیرون رفتن می‌کنم" و یکی دیگر را استخدام می‌کنم" را

چند کلمه به یاد

طبقه ما در اعتراض به بردگی مزدی است. در آن زمان در شهرهای مختلف ایران و در کشورهای مختلف شاهد اعتراض بخشهای مختلف طبقه کارگر به کشتار کارگران خاتون آباد بودیم. در سراسر جهان کارگران معترض و حق طلب به شیوه‌های مختلف بانگ اعتراض خود را علیه این جنایت و در دفاع از همسرانشان خود اعلام کردند و گوشه‌ای زرین از همبستگی طبقاتی را به نمایش گذاشتند.

امروز از آن تاریخ ۸ سال می‌گذرد، اما خاطره تلخ این جنایت، خاطره بی‌رحمی و قساوت سرمایه و چهره کریه و ضدکارگری آن در ذهن کارگران خاتون آباد، در ذهن کودکان آنان و در طبقه کارگر ایران از مس خاتون آباد، تا ایران خودرو و عسلویه و نفت و پتروشیمی، از نوب آهن تا معادن مس کرمان، از شرکت واحد و هفت تپه تا

مخابرات و برق و... زنده است. کشتار کارگران خاتون آباد گوشه‌ای کوچک از جنایت و کشتار هر روزه هم طبقه‌ای‌های ما در زندان و میدان کار، در خیابان و در گوشه و کنار این مملکت است. کشتار کارگر معترض، زندان و پرونده‌سازی هر روزه در جواب به خواست و مطالبه طبقه کارگر، پائین نگه داشتن سطح زندگی در حد خط فقر، منطق سرمایه و نیاز کارکرد آن، جهت تأمین سود بیشتر و حفظ بردگی مزدی است. به سکوت کشاندن طبقه کارگر، لگد مال کردن شخصیت و حرمت و کرامت این طبقه، همراه تحمیق هر روزه و فاسد کردن ذهن و شعور ما، کار همه دولت‌ها و حکومت‌های بورژوازی در سراسر جهان است. شرط ادامه بردگی مزدی به قناعت رساندن نیروی ما، تمکین کردن و رضایت صف میلیونی ماست. و در این جنایت کل بورژوازی با همه شاخه‌ها و ارگانهای مختلف آن سهیم‌اند.

تاریخ جدال نسل اندر نسل ما با نظام سرمایه‌داری، نشان داده است که نظم سرمایه بر انشقاق صفوف ما و بر تحمیق و سکوت ما استوار است. ابزار مقابله ما جز آگاهی و اتحاد ما نیست. پایان بردگی تنها و تنها در گرو اتحاد صفوف ما بر پایه استوار اتحاد کمونیستها و رهبران این طبقه به عنوان لولای اتحاد کل طبقه کارگر است.

**گرامی یاد کارگران خاتون آباد
زنده باد اتحاد طبقاتی ما**

بالای سر کارگر قرار دهند، فضای کار را نظامی کنند و ... بر خلاف تعبیرات غیر کارگری، کمونیسم در واقع جنبشی در تضاد با هر تشکل و حزب کارگری، با هر عنوان و نامی که تشکیل میشود، نیست. سد بندی کارگری در مقابل هرگونه تعرضی، و برای بهبود شرایطی که سرمایه‌تحمیل میکند، بخشی از مبارزات طبقه کارگر است که کمونیست‌ها در آن هم حضور دارند. و به همین ترتیب، مبارزه در این عرصه‌ها و برای این مطالبات، مستقیماً و به اعتبار خود مبارزه‌ای کارگری و کمونیستی است.

فرا تر از این اما، کمونیسم بیان آن جنبشی درمبارزه پرولتاریا ست، که همواره منافع کل طبقه در سطح ملی و بین‌المللی را هدف قرار داده است. در کل ایران، کارگران کمونیست فراوانی وجود دارند که بایستی این طبقه را مخاطب قرار دهند و برای اینکار بایستی متشکل عمل کنند. این که کارگر بایستی متشکل باشد، نه فرمان است و نه حداقل امروز کشف جدیدی است. کارگر بنا به موقعیتش در تولید، خواه نا خواه، برای مبارزه‌اش متشکل است. کمونیست‌ها از همان زمان مارکس، و همانطور که در مانیفست بیان شده، به این تشکلات‌های و حاضر موجود اتکا دارند و وظیفه خود را قراردادن کمونیسم در همان جا، اعلام کرده‌اند. عدم تشکل برای کمونیسم و جنبش کمونیستی به میزان زیادی در رابطه با همان تشکل و تحزب کمونیستی در طبقه کارگر است. سدی که کارگران

دفتر سیاسی حزب حکمتیست

حزب حکمتیست و نشست

تعدادی از اعضا کمیته مرکزی

آن

(در حاشیه "پلنوم" هیئت دائم)

ژانویه ۲۲ و ۲۱ روزهای، نوزده نفر از اعضا کمیته مرکزی و تعدادی از کادرهای حزب، به فراخوان هیئت دائم، جلسه ای را برگزار کردند و نام آنرا پلنوم کمیته مرکزی گذاشتند. مستقل از این واقعیت که این نشست مشورتی را نمی توان پلنوم کمیته مرکزی حزب حکمتیست خواند، تصمیمات سیاسی این جلسه است که حائز اهمیت است.

دستاوردهای این نشست، از نظر سیاسی بازتاب تمام و کمال جدایی کامل آن از حزب حکمتیست، سیاست ها، موازین و سنت های آن است. مضمون تصمیمات این نشست، اعلام پیوستن رسمی این جمع به خیل عظیم مخالفین حزب حکمتیست است. این حرکت تلاشی برای اعلام موجودیت حزب دیگری است، با مشخصات سازمانی، سیاسی، و جنبشی، دیگر!

ما از بابت پیوستن شرکت کنندگان در این نشست به کمپینی که سالهاست توسط طیف وسیعی از جریانات بورژوائی در بیرون از حزب حکمتیست علیه این حزب در جریان است، عمیقاً متأسفیم! کمپینی که امروز از کانال حمله شخصی به کورش مدرسی و دیروز از کانال حمله شخصی به منصور حکمت علیه کمونیسم ما پیش میرفت.

تصور نمی کنیم کسی در خارج از حزب حکمتیست، دوست و یا دشمن این حزب، با هیچ درجه ای از اغماض، بپذیرد که این جمع ادامه حزب حکمتیست است! کندن این رفقا از حزب و سیاستهای آنها، و سرنوشت تلخی که متأسفانه انتخاب کرده اند، بی تردید لطمه ای جدی به حزب است. اما این حزب امروز صاحبان بسیار بیشتری از جمع اعضا رهبری و تشکیلات علنی آن دارد. هرچند اقدام جمعی از رفقای منتقد خط رسمی حزب و جدا کردن راه خود از تاریخ ۸ ساله این حزب، شادی و هلهله در میان مخالفین و دشمنان ما ایجاد کرده است، این ضایعه نگرانی کمونیستهای وسیعی را در جامعه ایران نیز همراه داشته است. اما حزب ما با اتکا به خط مارکسیستی خود، این تند پیچ را از سر میگذرانند. طبقه کارگر و کمونیستها به این حزب احتیاج دارند. ما با اتکا به صفی از کمونیستهای مصمم مانع شکستن این امید میشویم.

دفتر سیاسی حزب حکمتیست، همه اعضا و کادرهای حزب را فرامیخواند که حزب خود را گرامی بدارند و به گرد آن جمع شوند. از موجودیت حزب حکمتیست، با سیاست، سنت، خط متمایز، اعتبار و احترام آن نزد طبقه کارگر و نسلی از کمونیست ها در ایران، دفاع کنند. و اجازه ندهند که این تعرض به حزب حکمتیست، میدان فعالیت و ابراز وجود حزب را در مقابل دشمنان کمونیسم و طبقه کارگر، تنگ کند!

زنده باد حزب حکمتیست

دفتر سیاسی حزب حکمتیست

۵ بهمن ۱۳۹۰ - ۲۵ ژانویه ۲۰۱۲

مسکوت گذاشتن زیرکانه سرنوشت "پلاتفرم هیئت دائم" و در عین حال اعلام تصمیم قاطع و محکم برای پیوستن به کمپین ضدیت با عملکرد و سیاست های حزب حکمتیست، اعلام تعلق به صف ضدیت شخصی با کورش مدرسی، پیام مستقیم این نشست به اعضا و کادرهای حزب، به طبقه کارگر و همچنین به دشمنان و مخالفین هفت سال گذشته حزب هم است.

طبقه کارگر، بر خلاف کلیه طبقات فرودست در تاریخ پیشین جامعه بشری، نمیتواند آزاد شود بی آنکه کل بشریت را آزاد

کند.

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

به همه علاقمندان شرکت در کنگره پنجم

حزب حکمتیست

کنگره پنجم حزب حکمتیست در روزهای ۱۸ و ۱۹ ماه فوریه

در اروپای مرکزی برگزار میشود.

شرکت در کنگره برای عموم آزاد است

جهت شرکت در کنگره و کسب اطلاعات بیشتر میتوانید به با

شماره تلفن یا آدرس مایل زیر تماس بگیرید

تلفن تماس: تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۸۱۵۹۰۲۲۳۷ و

۰۰۴۴۷۵۸۸۰۲۵۴۵۱

آدرس مایل: hekmatist.congres5@gmail.com

به کنگره پنجم حزب حکمتیست

خوش آمدید

قابل توجه نمایندگان کنگره

نشریه شماره ۳ کنگره در روز ۳۰

ژانویه منتشر میشود

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

هفتگی

زنده باد سوسیالیسم